اخبار

ترامپ:

فکر نمی‌کنم نسل کشی در غزه اتفاق افتاده باشد

دونالد ترامپ با ابراز تردید درباره وقوع نسل کشی در غزه اظهار کرد با این حال اوضاع در آنجا بسیار وخیم است.

به گزارش ایسنا، دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، در پاسخ به خبرنگاران درباره نظرش نسبت به وقوع نسل کشی در غزه گفت: فکر نمی‌کنم نسل کشی اتفاق افتاده باشد اما اوضاع در آنجا غم‌انگیز است.

وی در ادامه با نادیده گرفتن رنج و عذاب اهالی غزه افزود: آنچه در هفتم اکتبر (۲۰۲۳) روی داد اتفاقات بسیار وحشتناکی بود که از بدترین صحنه‌هایی بود که تابحال دیده‌ام.

ترامپ گفت: ما بودجه اختصاص داده‌ایم تا مردم سیر شوند و کمک‌های مالی قابل توجهی ارائه می‌دهیم تا برای تهیه غذا هزینه شود و مردم بتوانند غذا بخورند. ما تنها کشوری هستیم که واقعاً این کار را انجام می‌دهد و برای این منظور پول فراهم می‌کنیم. نمی‌خواهیم کسی گرسنه بماند یا از گرسنگی بمیرد، اینها اتفاقات بدی هستند.

به گزارش ریانووستی، ترامپ هم‌چنین گفت که استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ایالات متحده، ممکن است چهارشنبه یا پنجشنبه به روسیه سفر کند.

او در پاسخ به خبرنگاران در مورد برنامه‌های ویتکاف گفت: «او ممکن است برود، فکر می‌کنم چهارشنبه یا پنجشنبه، ممکن است به روسیه برود.»

ترامپ هم‌چنین هشدار داد در صورتی که مسکو با آتش‌بس در جنگ با اوکراین موافقت نکند، تحریم‌هایی علیه آن اعمال خواهد شد.

رئیس جمهور آمریکا به خبرنگاران گفت: تحریم‌هایی در کار خواهد بود، اما آنها ظاهرا در دور زدن تحریم‌ها مهارت دارند. آن‌ها زرنگ‌اند و در دور زدن تحریم‌ها واقعا خوب عمل می‌کنند. پس باید ببینیم چه می‌شود.

نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی:

در جهان منفور شده‌ایم

نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی بار دیگر به منفور بودن این رژیم در جهان اذعان کرد.

به گزارش مهر به نقل از الجزیره، ایهود اولمرت نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی در گفتگو با روزنامه پلیتیکو گفت که این رژیم به یک دولت منفور تبدیل شده است.

وی اضافه کرد که آنچه که در غزه رخ می‌دهد غیر قابل قبول است. تل آویو حمایت همپیمانان همیشگی خود را از جمله آلمان از دست می‌دهد.

اولمرت تاکید کرد که متهم کردن رئیس جمهور فرانسه و نخست وزیر انگلیس به یهود ستیزی یا حمایت از تروریسم اقدام سخیفی است. نتانیاهو و دیگران از این اتهامات برای دفاع از خود سوء استفاده می‌کنند. تل آویو حمایت‌های بین المللی را در میان کشورهای غربی از دست می‌دهد.

وی پیشتر نیز با انتقاد از عملکرد کابینه نتانیاهو جنگ در نوار غزه را بی نتیجه خوانده بود.

پکن شمشیر را از رو بست؛ شوک سنگین چین به صنایع نظامی آمریکا

براساس گزارش‌ها، چین صادرات مواد معدنی حیاتی به شرکت‌های نظامی غربی را محدود کرده و همین امر دردسر تازه‌ای برای این شرکت‌ها شده است.

رسانه آمریکایی به نقل از منابع صنعتی گزارش داد که چین عرضه مواد معدنی حیاتی به شرکت‌های نظامی غربی را محدود کرده که موجب تأخیر در تولید و واداشتن این شرکت‌ها به جستجوی جایگزین‌هایی در بازارهای دیگر شده است. برای نمونه، روزنامه وال استریت ژورنال اشاره می‌کند که یک تولیدکننده پهپاد که به ارتش آمریکا خدمات می‌دهد، ناچار شد سفارش‌های خود را تا دو ماه به تعویق بیندازد تا جایگزینی برای آهنرباهای ساخت چین از فلزات خاکی کمیاب پیدا کند.

بنا بر گزارش ایسنا، تاجران به این روزنامه آمریکایی گفته‌اند که برخی از مواد مورد نیاز صنایع نظامی غرب اکنون با قیمتی پنج برابر یا بیشتر از قبل از اعمال محدودیت‌های چین به فروش می‌رسند. این گزارش یادآوری می‌کند که بیش از ۸۰ هزار قطعه مورد استفاده در پنتاگون حاوی مواد معدنی‌ای هستند که تحت محدودیت‌های صادراتی چین قرار گرفته‌اند. هم‌زمان، تقریباً تمام زنجیره تأمین ارتش آمریکا برای این مواد معدنی به حداقل یک تأمین‌کننده چینی وابسته است؛ بنابراین محدودیت‌های پکن می‌تواند مشکلات بزرگی برای ارتش آمریکا ایجاد کند. افزون بر این، خریداران غربی به روزنامه گفته‌اند که چین خواستار اطلاعات دقیق درباره هدف استفاده از مواد معدنی خریداری‌شده، شده تا اطمینان یابد که آن‌ها در تولیدات نظامی شرکت‌های غربی به کار نمی‌روند. اوایل آوریل، وزارت بازرگانی چین اعلام کرد که پکن ۱۶ شرکت آمریکایی را در فهرست کنترل صادرات قرار داده تا صادرات کالاهای دو منظوره را تحت نظر بگیرد. به گزارش نیویورک تایمز، پکن صادرات طیف گسترده‌ای از مواد معدنی حیاتی و آهنرباها را که به‌ویژه در مونتاژ خودرو، پهپاد، ربات و موشک کاربرد دارند، به حالت تعلیق درآورده است.

در ماه ژوئن، وال‌استریت ژورنال به نقل از منابع آگاه گزارش داد که چین با ازسرگیری صدور مجوز صادرات عناصر خاکی کمیاب به خودروسازان و کارخانه‌های صنعتی آمریکا موافقت کرده، اما این مجوزها را به مدت شش ماه محدود کرده است.

خبرگزاری رویترز نیز به نقل از منابع مطلع گزارش داده که چین هنوز تعهدی به صدور مجوز صادرات برای برخی آهنرباهای خاص خاکی کمیاب که تأمین‌کنندگان نظامی آمریکا برای جت‌های جنگنده و سامانه‌های موشکی به آن نیاز دارند، نداده است.

عناصر خاکی کمیاب، گروهی شامل ۱۷ فلز هستند که به طور گسترده در دستگاه‌های فناوری پیشرفته مانند رایانه، تلویزیون و گوشی‌های هوشمند و همچنین در فناوری‌های دفاعی همچون موشک، لیزر، سامانه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات نظامی کاربرد دارند.

آنچه پس از ۷ اکتبر در منطقه رخ داد

خاورمیانه عرصه رقابت قدرت‌ها

از منظر مکتب رئالیسم در روابط بین‌الملل، خاورمیانه عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی و بازیگران فرامنطقه‌ای همچون آمریکا، چین و روسیه برای دستیابی به هژمونی است

اتحادملت-گروه‌بین‌الملل-عاطفه‌عبدالهی‌نژاد؛ خاورمیانه به‌عنوان یکی از حساس‌ترین مناطق ژئوپولیتیکی جهان در آستانه تحولات مهمی قرار گرفته است. پس از جنگ ۱۲روزه بین ایران و اسرائیل و تشدید تنش‌های منطقه‌ای، همچنین تهدید کشورهای اروپایی به فعال کردن مکانیزم ماشه، ابهامات زیادی در مورد آینده این منطقه شکل گرفته است.

خاورمیانه همواره به دلیل منابع عظیم انرژی، موقعیت ژئوپولیتیک، و تنوع قومی-مذهبی محل رقابت‌های نیروهای منطقه‌ای و جهانی بوده است. طبق گزارشی از نیویورک تایمز، پس از جنگ ایران و اسرائیل و اعلام آتش‌بس شکننده توسط دونالد ترامپ، منطقه وارد مرحله‌ای از «بی‌ثباتی فعال» شده است. در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵ (۴ تیر ۱۴۰۴)، کشورهای اروپایی (فرانسه، بریتانیا، و آلمان) با اتکا به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به ۶,۲۰۱ کیلوگرم (از جمله ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با غلظت ۶۰ درصد) و همچنین گزارش مدیرکل آژانس درباره پنهانکاری‌های گذشته ایران در برنامه هسته‌ای خود، تهدید کردند که مکانیزم ماشه را فعال می‌کنند. این اقدام ممکن است تحریم‌های شورای امنیت، از جمله قطعنامه‌های مهمی مثل ۱۷۴۷ و ۱۹۲۹ را دوباره بازگرداند. با توجه به بحران‌های جاری در غزه، بی‌ثباتی سوریه، جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل و مشکلات مزمن یمن و لبنان، پرسش اصلی این است که چه سناریوهایی برای آینده خاورمیانه قابل تصور است؟

بررسی چشم‌انداز ژئوپولیتیکی خاورمیانه از دیدگاه روابط بین‌الملل

از منظر مکتب رئالیسم در روابط بین‌الملل، خاورمیانه عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی و بازیگران فرامنطقه‌ای همچون آمریکا، چین و روسیه برای دستیابی به هژمونی است. جنگ اخیر میان ایران و اسرائیل نشان داد که اسرائیل همچنان به حمایت آمریکا اتکا دارد، در حالی که ایران با تقویت محور مقاومت (مانند حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و گروه‌های نیابتی دیگر) هدفش ایجاد بازدارندگی نامتقارن در برابر غرب است. مطابق پیش‌بینی رئالیست‌ها، این رقابت‌های نظامی و اقتصادی نه تنها باعث بی‌ثباتی بیشتر خواهد شد، بلکه احتمال تجزیه کشورهای ضعیف‌تر مانند سوریه و عراق را افزایش داده و موجب شکل‌گیری بلوک‌های متخاصم شدیدتر می‌شود.

از سوی دیگر، پیروان سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بر نقش هویت‌ها و روایت‌ها تأکید دارند. روایت‌هایی مانند تهدید ایران، که توسط اسرائیل و متحدانش شکل گرفته، در مقابل تصویر «رهبری مقاومت» که از سوی ایران ترویج شده، اجماع منطقه‌ای را مختل کرده است. این نوع دوگانگی هویتی نه تنها همکاری کشورها را دشوار کرده بلکه به تقویت گروه‌های قومی و مذهبی مانند کردها یا دروزی‌ها منجر شده است. سازه‌انگاران معتقدند که تغییرات هویتی ممکن است تجزیه دولت‌های شکننده را تسریع کرده و زمینه تشکیل نهادهای سیاسی تازه‌ای را فراهم کند.

نقش همکاری بین‌المللی از دیدگاه لیبرالیسم

در مقابل، لیبرالیست‌ها بر ضرورت همکاری میان‌مللی و تقویت نهادهای جهانی تأکید دارند. طبق گزارش اکونومیست (۱۵ تیر ۱۴۰۴)، تلاش‌های دیپلماتیک برای احیای برجام یا دستیابی به توافق جدید با ایران به دلیل فضای بی‌اعتمادی متقابل متوقف شده است. لیبرالیست‌ها معتقدند که بدون همکاری بین‌المللی، منطقه خاورمیانه بیشتر به سمت آشوب، تجزیه دولت‌ها، و افزایش بحران پیش خواهد رفت. از سوی دیگر، آنها باور دارند دیپلماسی از طریق نهادهایی مانند سازمان ملل متحد می‌تواند گزینه‌هایی برای جلوگیری از این سناریوهای پرمخاطره ارائه دهد.

تحلیل پویایی‌های ژئوپولیتیک در خاورمیانه همیشه موضوعی پیچیده و پردامنه بوده است. این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک و تنش‌های تاریخی، همچنان در مرکز توجه سیاست‌مداران و تحلیل‌گران جهانی قرار دارد. سه محور کلیدی در این زمینه شامل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش گروه‌های قومی و مذهبی، و تأثیر تغییرات اقتصادی و زیست‌محیطی است که به شکلی تعیین‌کننده چشم‌انداز آینده منطقه را شکل می‌دهند.

رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

در سال‌های اخیر، خاورمیانه به عرصه‌ای برای رقابت شدید میان ایران، اسرائیل، و عربستان سعودی تبدیل شده است، در حالی که قدرت‌های جهانی همچون آمریکا، چین، و روسیه هر یک به دنبال تقویت نفوذ خود در این منطقه هستند. ایران با توسعه توان دفاعی خود از جمله موشک‌های بالستیک و حمایت از گروه‌های محور مقاومت تلاش دارد جایگاهش را حفظ کند. در مقابل، اسرائیل با حمایت آمریکا به دنبال تضعیف ایران و گروه‌های نیابتی مرتبط با آن است. عربستان نیز در تلاش است تا روابط خود را با قدرت‌هایی چون چین تقویت کند، روندی که پس از جنگ ۱۲ روزه در فلسطین شدت گرفته و حتی خطر تجزیه کشورهایی ضعیف مانند سوریه را افزایش داده است.

نقش گروه‌های قومی و مذهبی

یکی دیگر از عوامل کلیدی مؤثر بر آینده خاورمیانه، نقش پررنگ گروه‌های قومی و مذهبی همچون کردها، دروزی‌ها و شیعیان است. بی‌ثباتی دولت‌های مرکزی به ویژه در کشورهایی مثل سوریه، عراق، و یمن زمینه را برای ظهور گروه‌هایی فراهم کرده که به دنبال خودمختاری یا حتی تشکیل کشورهای مستقل هستند. به عنوان نمونه، کردهای عراق و سوریه هنوز امید دارند تا روزی کشور کردی مستقلی ایجاد کنند. همچنین تحرکات گروه‌هایی مانند تحریر الشام در سوریه نشان می‌دهد احتمال تجزیه این کشور به مناطقی تحت کنترل گروه‌های مختلف در حال افزایش است.

فشارهای اقتصادی و زیست‌محیطی

از سوی دیگر، خاورمیانه با چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی جدیدی روبه‌رو شده است. تغییرات اقلیمی و بحران کمبود منابع طبیعی مانند آب، همراه با افزایش هزینه‌های زندگی، دولت‌ها را به بازنگری در سیاست‌هایشان وا داشته است. کشورهای نفت‌خیز مانند امارات و عربستان در تلاش هستند تا وابستگی خود به نفت را کاهش دهند و اقتصادشان را متنوع کنند؛ اما کشورهای فقیرتر مثل یمن با بحران‌های انسانی قابل‌توجهی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این بحران‌ها زمینه‌ساز مهاجرت‌های گسترده بوده که می‌تواند بی‌ثباتی بیشتری را رقم بزند.

سناریوهای احتمالی برای آینده خاورمیانه

وقتی بحث آینده منطقه تا سال ۲۰۳۰ مطرح می‌شود، سناریوهای مختلفی قابل تصور است که هر کدام مبتنی بر رویکردهای متفاوتی در سیاست بین‌الملل تحلیل می‌شوند.

یکی از سناریوهای محتمل بر پایه واقع‌گرایی این است که ضعف دولت‌های مرکزی در کشورهایی مثل سوریه، عراق و یمن موجب افزایش احتمال تجزیه آنها شود. کردهای عراق و سوریه فرصتی مناسب برای تشکیل یک کشور مستقل خواهند یافت، مخصوصاً اگر میزان حمایت خارجی از ترکیه و آمریکا کاهش یابد. همچنین تقویت هویت‌های قومی و مذهبی می‌تواند منجر به شکل‌گیری مناطق خودمختار یا حتی کشورهای جدید شود. به عنوان مثال، خروج احتمالی بشار اسد از دمشق یا قدرت‌گیری گروه‌هایی مثل تحریر الشام احتمال تجزیه سوریه را بیشتر خواهد کرد.

اما سناریوی دیگری که بیشتر به نوعی دیپلماسی امیدوارانه اشاره دارد، همکاری بین‌المللی برای کاهش تنش‌ها است. مذاکرات بین ایران و کشورهای عربی با میانجی‌گری قدرت‌هایی مانند چین می‌تواند به توافقاتی برای صلح منطقه‌ای منجر شود. عادی‌سازی روابط کشورهای عربی مانند امارات و بحرین با اسرائیل از طریق توافقات ابراهیم نیز نمونه‌ای از ظرفیت دیپلماسی برای تعدیل اختلاف‌هاست.

اسرائیل و نقش آن در تغییرات ژئوپلیتیک آینده خاورمیانه

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، از طرح «خاورمیانه جدید» به‌عنوان فضایی برای همکاری‌های اقتصادی و امنیتی میان اسرائیل و کشورهای عربی حمایت می‌کند. در این چارچوب، اسرائیل به دنبال ایجاد تغییراتی است که منجر به تضعیف ایران و کاهش نفوذ گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی شود. از جمله راهبردهای این کشور، نفوذ در سوریه و جلوگیری از قدرت‌گیری گروه‌های اسلام‌گرا با ادعای حمایت از جوامع اقلیتی مانند دروزی‌ها است.

حمایت اسرائیل از تجزیه کشورهای منطقه پیامدهای گوناگونی به همراه دارد:

- سوریه: اسرائیل از تقسیم سوریه به مناطقی تحت کنترل گروه‌های قومی نظیر دروزی‌ها و کردها حمایت می‌کند؛ زیرا این اقدام موجب تضعیف محور مقاومت خواهد شد. حملات مکرر اسرائیل به دمشق نیز، هدف بی‌ثبات کردن دولت جدید سوریه را دنبال می‌کند.

- عراق و یمن: همان‌طور که گزارش‌هایی مانند اکونومیست تأکید دارند، اسرائیل در تلاش است تا دولت‌های مرکزی عراق و یمن را تضعیف کند و در نتیجه نفوذ ایران کاهش یابد. کاهش حمایت ایران از حوثی‌ها نیز ممکن است فروپاشی این گروه را تسریع کند.

از سوی دیگر، اسرائیل از توافقات ابراهیم، شامل عادی‌سازی روابط با امارات، بحرین، سودان و نیز مذاکرات اخیر با عربستان سعودی، کاملاً حمایت می‌کند. این توافقات بخشی از استراتژی گسترده‌تر اسرائیل برای ایجاد یک ائتلاف ضدایرانی است. بر اساس دیدگاه رئالیستی، چنین اقداماتی قدرت ژئوپلیتیک اسرائیل را تقویت می‌کند؛ اما از منظر سازه‌انگاری، این سیاست‌ها تصویری مثبت از اسرائیل به‌عنوان «شریک صلح» در مقابل ایران به‌عنوان «تهدید منطقه‌ای» ارائه می‌دهد.

با وجود این، تحمیل نظم جدید منطقه‌ای بدون حمایت کشورهای عربی برای اسرائیل دشوار خواهد بود. مسئله فلسطین همچنان یک مانع کلیدی در مسیر عادی‌سازی کامل روابط است و ادامه شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری نیز امید به ایجاد صلح پایدار را با چالش جدی مواجه کرده است.

به‌گونه‌ای که دیدگاه‌های واقع‌گرایانه ترسیم می‌کنند، رقابت شدید میان ایران، اسرائیل و عربستان سعودی شکل‌دهنده آینده خاورمیانه خواهد بود. این رقابت ممکن است به تجزیه کشورهای ضعیف‌تر نظیر سوریه و عراق منجر شود و هویت‌های قومی و مذهبی، مانند کردها و دروزی‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییرات احتمالی مرزی ایفا کنند. البته دیپلماسی و همکاری بین‌المللی می‌توانند از تشدید بی‌ثباتی جلوگیری کنند، مشروط به اینکه اعتمادسازی مؤثری میان بازیگران منطقه‌ای شکل گیرد.

در نهایت، سیاست‌های اسرائیل نشان می‌دهد که این کشور از هر تغییری که به تضعیف ایران منجر شود—چه تقسیمات داخلی در سوریه باشد و چه گسترش ارتباط با کشورهای عربی—به‌طور فعال حمایت می‌کند.

درباره «دست مرده» کرملین چه می‌دانیم؟

تهدید ترامپ باسلاح آخرالزمانی

دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور پیشین روسیه خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «بهتر است فیلم‌های مورد علاقه‌ات درباره "مردگان متحرک" را به یاد بیاوری و فراموش نکنی که دست مرده تا چه اندازه می‌تواند خطرناک باشد.»

به گزارش اکوایران، مشاور امنیتی ولادیمیر پوتین هشدار وحشتناکی درباره قابلیت هسته‌ای «دست مرده» روسیه صادر کرد؛ هشداری که در ادامه جنگ لفظی میان او و دونالد ترامپ مطرح شد.

دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور پیشین روسیه که اکنون معاون شورای امنیت این کشور است، خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «بهتر است فیلم‌های مورد علاقه‌ات درباره "مردگان متحرک" را به یاد بیاوری و فراموش نکنی که دست مرده تا چه اندازه می‌تواند خطرناک باشد.»

به نوشته دیلی‌میل، در واکنش به این تهدید، ترامپ دستور اعزام دو زیردریایی هسته‌ای آمریکا را صادر کرد. او روز جمعه در محوطه کاخ سفید گفت: «ما مجبور بودیم این کار را انجام دهیم. فقط باید محتاط باشیم. تهدیدی صورت گرفت و فکر نمی‌کردیم مناسب باشد، پس باید خیلی مراقب باشم. تهدیدی از سوی رئیس‌جمهور پیشین روسیه مطرح شد و ما باید از مردم خود محافظت کنیم.»

سیستمی متعلق به دوران جنگ سرد

«دست مرده» نام یک سلاح هسته‌ای آخرالزمانیِ افسانه‌ای در زرادخانه روسیه است. ظاهراً دلیلِ نامگذاری این سامانه این بوده که به هیچ‌گونه فرمان انسانی نیاز ندارد؛ یعنی حتی در صورتی که رهبری و نیروهای نظامی کشور از بین بروند، همچنان می‌تواند واکنش تلافی‌جویانه‌ای را آغاز کند. به گزارش وبسایت Military.com، این سامانه توانایی اجرای یک حمله خودکار را دارد.

این سیستم کنترل خودکارِ تسلیحات هسته‌ای که با نام «پریمیتر» (Perimeter) شناخته می‌شود، به هزاران سلاح هسته‌ای روسیه متصل است و طبق گزارش‌ها شامل موشک‌های مافوق صوت نیز می‌شود.

ژنرال سرگئی کاراکایف از نیروهای موشکی استراتژیک روسیه در سال ۲۰۱۱ در گفت‌وگو با یک روزنامه روسی تأیید کرد که این فناوری دوران جنگ سرد وجود دارد و هشدار داد که این سامانه می‌تواند در عرض تنها ۳۰ دقیقه کل ایالات متحده را نابود کند.

ایالات متحده نیز سامانه‌ای مشابه از حسگرها دارد که برای ردیابی موشک‌های ورودی، تشعشعات رادیواکتیو را پایش می‌کند، اما هرگز ماشه‌ای خودکار برای پاسخ هسته‌ای توسعه نداده است. این موضوع ممکن است دلیل اقدام نظامی احتیاطی ترامپ در روز جمعه باشد.

جنگ لفظی

جنگ لفظی زمانی آغاز شد که ترامپ برای پایان جنگ اوکراین، ضرب‌الاجل جدیدی برای روسیه تعیین کرد و تنش‌ها زمانی افزایش یافت که ترامپ اعلام کرد مهلت خود را برای پایان دادن به جنگ به ۸ اوت (۱۸ مرداد) جلو انداخته است. پیش‌تر ترامپ یک تهدید ۱۰ یا ۱۲ روزه را اعلام کرد و سپس تهدید کرد که اگر پوتین تا ۵۰ روز آینده جنگ را متوقف نکند، تعرفه‌های سنگینی بر صادرات نفت و دیگر محصولات روسیه اعمال خواهد کرد.

ترامپ روز پنج‌شنبه به مدودف حمله کرد و او را «رئیس‌جمهور شکست‌خورده‌ای که خیال می‌کند هنوز رئیس‌جمهور است» خواند و به او هشدار داد که «مواظب حرف‌هایش باشد». ترامپ نوشت: «او دارد وارد قلمرویی بسیار خطرناک می‌شود.»

هانس ام. کریستنسن، مدیر پروژه اطلاعات هسته‌ای در فدراسیون دانشمندان آمریکا، گفت که اقدام ترامپ «نوعی تشدید در لحن و احتمالاً افزایش تنش‌ها» است. کریستنسن گفت، اشاره ایالات متحده به تهدید هسته‌ای در این مرحله، اقدامی نامناسب است:

او افزود: «با وجود چالش‌ها، روابط ایالات متحده و روسیه هنوز به نقطه‌ای نرسیده که سلاح‌های هسته‌ای نقش مستقیمی ایفا کنند؛ مگر در پس‌زمینه به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمومی. روسیه این موضوع را به سختی یاد گرفته و آن‌قدر تهدید هسته‌ای کرده که غرب دیگر آن‌ها را صرفاً حرف تلقی می‌کند.»

کریستنسن همچنین گفت که بعید است این اقدام ترامپ، روسیه را به دستیابی سریع‌تر به توافق آتش‌بس در اوکراین ترغیب کند. او ادامه داد:«زیردریایی‌های هسته‌ای آمریکا همیشه مستقر هستند، از جمله در اقیانوس اطلس، و روسیه هم این را می‌داند.»